

**آراستن جسد و تابوت**

از دیگر آداب مربوط به فرد در گذشته آن بود که پیکر اموات را با مواد خوشبو کننده چون مشک، کافور، گلاب و می معطر می‌ساختند و در پارچه‌های مرغوب می‌پیچیدند. اگر شخصی در گذشته از بزرگان و شاهزادگان بود او را در پارچه‌های گران‌قیمت، چون حریر و دیبا می‌پیچیدند و کفن می کردند و بر سرش تاجی شاهوار می‌گذاشتند و با انواع سنگ‌های قیمتی و جواهر می‌آراستند، تابوتی از طلا، نقره یا فلزات دیگر می ساختند و آنگاه دخمه‌ای برایش می‌کردند که با دخمه‌های معمولی که قبلاً شرحش داده شد تفاوت داشت، زیرا دخمه‌ای اختصاصی و فقط متعلق به فرد در گذشته بود و این دخمه‌ها، آرامگاه‌هایی بود که پادشاهان و توانگران و بزرگان برای خود می‌ساختند و آنها را دخمه‌های شخصی نیز می‌نامیدند، مانند آرامگاه‌های آنهایی که مخصوص امرا و بزرگان «۷۶: «عبداللهی ۱۳۶۹: ۲۰»

اگر شخصی در گذشته از جنگجویان و دلبران میدان رزم بوده باشد به جز کارهای ذکر شده سلاح و ابزار نبرد و لباس جنگی‌اش را آراسته و در کنارش قرار می‌دادند. رستم بعد از مرگ جگر گوشه‌اش دستور می‌دهد تا او را کفن کنند.

بیوشید بازش به دیبای زرد
سر تنگ تابوت را سخت کرد
همی گفت رخِ دخمه زربین کنم
ز مشک سیه گردش آئین کنم
چو من رفته باشم نماند به جای
وگرنه مرا خود همین است رای
یکی دخمه کردش ز سم ستور
جهانی به زاری همی گشت کور

[ نامه باستان ۱۳۸۶ ج ۲ ]

گویا برای پوشاندن جسد بیشتر از پارچه‌هایی به رنگ زرد استفاده می‌شد، زیرا در چند جای شاهنامه از آن نام برده شده، همچنین بعد از کشته شدن پیام به دست رستم، او جنازه را پیش تورانیان می‌نآزد و چنین می‌گوید:

بیوشید، کز گرد شد لآزوردی

[ نامه بوستان ۱۳۸۶ جلد ۴ ]

توس، هنگام دفن فرود این گونه فرمان می‌دهد:

بفرمود تا دخمه‌ای شاهوار
بکردند بر تیغ آن کوهسار
نهادند زیر اندرش تخت زر
به دیبای زربفت و زرین کمر
تن شاهوارش بیاراستند

گل و مشک و کافور می‌خواستند
سرش را به کافور کردند خشک
تنش را به دیق و گلاب و به مشک
نهادند بر تخت و گشتند باز

شد آن شیردل مرد با نام و ناز

از شواهد این گونه برمی‌آید که مشک و کافور از مواد ثابت آراستن جسد بوده است. چون خاصیت خوشبو کنندگی داشتند و ماندگاری جسد را بیشتر می‌کردند. استفاده از دیق و مشک و کافور گویا گونه‌ای از مومیایی کردن بوده است.<sup>[۱]</sup>

از لعاب چسبنده دبق در مومیایی مردگان بهره می‌برده‌اند. لذا پیکر مرده را خشک و خوشبو می‌کردند.

سپس جامه‌های گرانبها و ایریشمی بر او می‌پوشاندند و او را با آرایش و سیمای زمان زندگی در دخمه می‌نهاده‌اند. «کزازی، ۱۳۸۶ ج ۵: ۹۲۰»

**در دفن شاه مکران توسط کیخسرو**

در این داستان کیخسرو به خاطر داشتن فر شاهی و ایمان به روز رستاخیز به خود اجازه نمی‌دهد که جسد دشمنان را ا هم بدون آئین کفن و دفن رها کند. خصوصا که آن دشمن شخص مهم و ارجمندی نیز باشد.

یکی دخمه سازید و مشک و گلاب
چنان چون بود شاه را جای خواب
بیوشید رویش به دیبای چین
که مرگ بزرگان بود مخصوص امرا و بزرگان

[ نامه باستان ۱۳۸۶ ج ۵ ]

**در همین زمینه، دخمه کردن پیران توسط کیخسرو**

بفرمود پس مشک و کافور ناب
به قیر اندر آمیختن با گلاب
تنش را بپالود از آن سر به سر
به کافور و مشکش بیباگند سر
به دیبای رومی تن پاک اوی
بیوشید آن خاک ناپاک اوی
یکی دخمه فرمود خسرو ز مهر
برآورد سر تا به گردن سپهر

[ نامه باستان ۱۳۸۶ جلد ۵ ]

**پشوتن بعد از مرگ اسفندیار**

یکی نغز تابوت کرد آهنین
بگسترد فرشی ز دیبای چین
به دیبای زربفت کردش کفن
خروشان بر او نامدار انجمن
به آن پس بیوشید روشن برش
ز پیروزه بر سر نه‌د افسرش

[ نامه باستان ۱۳۸۶ جلد ۶ ]

**اسکندر بعد از مرگ دارا**

یکی دخمه کردش بر آئین او
بدان سان که بد فر دین او
بشستند از خون به روشن گلاب
چو آمدش هنگام جاوید خواب
بیاراستندش، به دیبای روم
همه پیکرش گوهر و زر و بوم
تنش زیر کافور شد ناپدید
وزان پس کسی روی دارا ندید

یکی بر سرش تاج مشکین نهاد

[ نامه باستان ۱۳۸۶ جلد ۶ ]

**دفن شدن توسط کیخسرو**

پس از کشتنش مهربانی کنید
یکی دخمه خسروانی کنید

سرش را به دیق و به مشک و گلاب

چهارشنبه ۹ مهر ۱۳۹۲ ۶ ذی‌الحجه ۱۴۳۵ Oct 1۰ 2014 سال نوزدهم شماره ۵۲۸۷

## آیین سوگواری در شاهنامه

**نوشته: معصومه دهقان قاسم خلی**

**بخش سوم و پایانی**



بشوئید و تن را به کافور ناب
به گردنش بر، طوق زرین نهید
کله بر سرش عنبرآگین نهید

[نامه باستان ۱۳۸۶ ج ۵ ]

**دفن بهرام توسط برادرش گیو**

بیاوردش از جایگاه نبرد
به کردار دیوان یکی دخمه کرد

بیباگند مغزش به مشک و عنبر
تنش را بیوشید چینی حریر
بر آئین شاهانش بر تخت عاج
بخوابید و آویخت بر سرش تاج
در دخمه را کرد سرخ و کبود
تو گفتی که بهرام هرگز نبود

[ نامه بوستان ۱۳۸۶ جلد ۴ ]

**جامه عزرا**

از مطالعات مردم شناسی چنین برمی‌آید که رنگ جامه میان اقوام و ملل مختلف جهان متفاوت است. همان‌طور که می‌دانیم در ایران باستان و میان زرتشتیان پوشیدن جامه سبید، هنگام عزرا مرسوم و معمول است، امروزه هم در بعضی از کشورهای آسیای جنوب شرقی مردم هنگام ماتم و عزا جامه سبید می‌پوشند. در شاهنامه هم وقتی سیاوش می‌خواهد پاکدامنی و بی‌گناهی خویش را ثابت کند می‌پذیرد که آزمون «ور» یعنی گذر از آتش را انجام دهد، پس برای نشان دادن پاکی و معصومیت خود و همچنین به نشانه آمادگی برای پذیرش مرگ جامه سفید بر تن می‌کند و خود را بر دل آتش می‌زند.

سیاوش بیامد به پیش پدر
یکی خود زرین نهاده به سر
هشیوار با جامه‌های سبید

لبی پر ز خنده دلی پر امید
برآنگند کافور بر خویشان
چنان چون بود رسم و ساز کفن
به طور کلی رنگ سفید میان زرتشتیان از ارج و

همه خاک بر سر به جای کلاه

[ نامه باستان ۱۳۸۶ ج ۳ ]

**تهمینته در سوگ سهراب**

بیوشید پس جامه نیلگون

همان نیلگون عرقه کرده به خون

[ نامه باستان ۱۳۸۶ ج ۲ ]

**فرنگیس در سوگ سیاووش گوید:**

به سوگ سیاووش سیه پوشد آب

کند روز نفرین بر افراسیاب

[ نامه بوستان ۱۳۸۶ ج ۳ ]

**نزدیکان در مرگ کیکاووس**

همه جامه‌هاشان کبود و سیه

دو هفته بودند با سوگ شاه

ببردند پس پایکاران شاه

دیبقی و دیبای رومی سیه

[ نامه باستان ۱۳۸۶ ج ۵ ]

**جشن سووی یا آئین سوگواری**

در واپسین روزهای زمستان، مردم طبق سنت دیرینه به برپایی مراسم یادبود و بزرگداشت ارواح درگذشتگان می‌پرداختند. این مراسم به خصوص از سوی کسانی که در آن سال عزیزی را از دست داده بودند، باشکوه‌تر انجام می‌شد.

امروزه این باور با حاضر شدن مردم در آرامگاه‌ها و بر سر قبر عزیزان از دست رفته در آخرین شب جمعه هر سال و اهدای خیرات برای شادی روح آنان پررنگ‌تر می‌نماید.

به باور شماری، همراه با انجام این مراسم آئینی، حضور حاجی فیروز در واپسین روزهای زمستان در کبوی و برزن به عنوان نمادی از بازگشت سیاووش شهید با نوروز گره خورده است. حاجی فیروز با صورتی سیاه که نماد سیاهی زمستان و دلیلی بر بازگشت سیاووش از جهان مردگان و جامه‌های سرخ که نمادی از سرخی خون سیاووش و یا زایش دوباره گل‌های سرخ در زمین است با سازی کوبه‌ای در دست سعی می‌کند تا مردم را شاد و خندان سازد.

سیاووش در افسانه‌های ایرانی نماد مظلومیت و بی‌گناهی است که هر بار از خون به ناحق ریخته او گیاهی به نام پر سیاوشان می‌روید. مراسم سوشوشون که همان عزاداری خاص سیاوش است، تا ده‌های اخیر در بعضی از مناطق ایران به خصوص در جنوب و قسمتی از مرکز ایران رایج بود. شیانگاه بر مرگ سیاوش عزاداری می‌کردند و زنان دسته‌های موی خود را به نشانه فرو ریختن برگ درختان می‌پریدند و بر درختان نظر کرده می‌آویختند که در ادبیات عامیانه به آنها «درخت گیسو » می‌گفتند.

گویا باور بر این بوده که در زمستان طبیعت می‌میرد و در آغاز بهار رستاخیز کرده و زندگانی دوباره می‌یابد. پس در پایان زمستان مراسم سوگواری و عزرا بلافاصله در روز اول بهار جشن رستاخیز را برپا می‌کردند.

گویا باور بر این بوده که در زمستان طبیعت می‌میرد و در آغاز بهار رستاخیز کرده و زندگانی دوباره می‌یابد. پس در پایان زمستان مراسم سوگواری و عزرا بلافاصله در روز اول بهار جشن رستاخیز را برپا می‌کردند.

**نتیجه گیری**

آئین‌های سوگواری مطرح شده در شاهنامه بیان‌گر این است که ایرانیان از دیرباز به گذشتگان خود ارج می‌نهند و آداب و رسوم ویژه‌ای برایشان برپا می‌داشته‌د.

به طور مرسوم تدفین در شاهنامه، نهادن فرد درگذشته در دخمه بود که قبل از آن آداب و آئین خاصی بر روی جنازه صورت می‌گرفت.

از جمله: شستن سر و بدن مرده، خوشبو کردنش با موادی چون مشک و کافور و گلاب و سپس کفن کردن مرده با پارچه‌های مرغوب که جنس این پارچه با توجه به موقعیت اجتماعی و تمکن مالی افراد متفاوت بود و اصولاً برای بزرگان از پارچه‌های دیبا و حریر استفاده می‌شد. بعد از این مرحله انتخاب تابوت بود که جنس این وسیله هم بستگی به موقعیت اجتماعی افراد داشت و برای طبقات مرفه همچون پهلوانان و شاهان از طلا و نقره تهیه می‌شد. همزمان با انجام آداب و رسوم تدفین، آئین سوگواری و ماتم برای فرد درگذشته انجام می‌گرفت که در شاهنامه به شرح آن پرداخته شد و با اعمالی چون خاک بر سر ریختن، جامه دریدن، روی خستن، موی کندن و به آتش کشیدن اموال شخص درگذشته همراه بود.

از دیگر مسائل مدت سوگواری است که از سه روز، هفت روز، یک ماه، چهل روز و گاهی تا یک سال متغیر بوده است. در شاهنامه هر چقدر شخص درگذشته مهم‌تر و از نظر سن جوان‌تر بود، مدت عزاداری و آئین سوگواری او گسترده‌تر و سوزناک‌تر برگزار می‌شد.

عزاداران با پایان یافتن دوره سوگواری از عزرا آمده و به زندگی عادی خود مشغول می‌شدند که به یقین این امر ریشه در دین و اعتقاد مردم به مرگ و زندگی پس از مرگ داشت. در واقع در تمام آداب و رسوم و آئین‌های مرتبط با سوگواری که در شاهنامه به طور جامع و کامل به توضیح آن پرداخته شده می‌توان تأثیر دین و باورهای دینی را مشاهده کرد.

**منابع و مأخذ**

۱-ابن بطوطه ۱۳۶۱، سفرنامه ابن بطوطه–معدلهی موحّد–تهران نگاه نشر و ترجمه کتاب ۲-اوششدری، جهانگیر–۱۳۸۶- دانشنامه مزدیسنا– نشر مرکز
۳-بیهقی ابوالفضل– ۱۳۸۶ تاریخ بیهقی– به کوشش خلیل خطیب رهبر– نشر مهتاب
۴-ستاری جلال–۱۳۸۸ پژوهشی در اسطوره گیل‌گمش و افسانه اسکندر– نشر مرکزی
۵-صفی زاده قاروق– ۱۳۸۵ اديان باستانی ایران– نشر واحدی
۶-عبداللهی فرشته– ۱۳۶۹- دین زرتشت و نقش آن در جامعه ساسانی– نشر ققنوس
۷-کزازی، میرجلال- ۱۳۸۵- نامه باستان– نشر سمت

۸-گیرشمن، رومن –۱۳۸۴ ایران از آغاز تا اسلام– نشر معین
۹-معین محمد– ۱۳۸۱ فرهنگ معین– نشر امیرکبیر
۱۰-ویدن گرن، گئو –۱۳۸۱ جهان معنوی ایران از آغاز تا اسلام– نشر میترا
۱۱-ایزدان پناه لومکی، طیار- ۱۳۸۵ تاریخ مازندران باستان– نشر چشمه \*\*\*

تقل به اختصار از فصلنامه علمی– پژوهشی *آبختَر*– سال هفتم– شماره پیاپی ۲۵–۲۴ زمستان ۱۳۹۲

۱- دیق گیاهی است که در ساقه و شاخه‌های بعضی از درختان مانند امروذ ایجاد می‌شود، چیزی مانند سریشم که بدان مرغان را شکار می‌کنند.

<p><b>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی</b> برابر رای شماره ۹۲۵۰۰۰۲۶۵۰۰۰۳۱۱۰۰۰۱۳۹۳۶-مورخ ۹۳/۵/۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقرف در واحد ثبتی داراب تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی فرنگیس دیانت فرزند حبیب به شماره شناسنامه ۱۳ صادره از داراب به شماره ملی ۲۴۹۱۱۲۷۷۱۷۴ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱/۱۵ مترمربع پلاک ۳ فرعی از ۳۷۴۷ اصلی مفروز و مجزا شده از ۱۷۱۵۰ واقع در بخش داراب ۱۲ فارس خریداری از سهام مشاعی خودش محرز گردید حقوق ارتقایی ندارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر شود.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۳/۶/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۳/۷/۹</p>	
۵۶۰/ م الف	رئیس اداره ثبت اسناد و املاک داراب حمید کشاورز

<p><b>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی</b> برابر رای شماره ۹۳۰۰۰۰۴۰۲۸۰۰۰۰۳۱۱۰۰۰۰۱۳۹۳۶-مورخ ۹۳/۵/۱۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقرف در واحد ثبتی داراب تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی فاضل مرگماری فرزند محمد به شماره شناسنامه ۲۳۸۲ صادره از داراب به شماره ملی ۲۴۹۰۵۰۲۴۲۵ نسبت به ششدانگ یکباب مغازه به مساحت ۱۲/۲۰ مترمربع پلاک ۱۹۱ فرعی از ۲۱۴۵ اصلی مفروز و مجزا شده از بخش داراب ۱۲ فارس خریداری از مالکین رسمی باواسطه از محمدلی عمود بحرانی محرز گردید حقوق ارتقایی ندارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر شود.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۳/۶/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۳/۷/۹</p>	
۵۶۴/ م الف	رئیس اداره ثبت اسناد و املاک داراب حمید کشاورز

<p><b>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی</b> برابر رای شماره ۹۳۰۰۰۰۴۵۷۰۰۰۰۳۱۱۰۰۰۰۱۳۹۳۶-مورخ ۹۳/۶/۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقرف در واحد ثبتی داراب تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی فاضل فرزند حبیب به شماره شناسنامه ۱۳۸۱ صادره از داراب به شماره ملی ۲۴۹۰۸۰۳۰۲۶ در ششدانگ یکباب مغازه به مساحت ۱۵/۸۰ مترمربع پلاک ۶۱ فرعی از ۱۵۸۰ اصلی مفروز و مجزا شده از پلاک ۱۸ فرعی از ۱۵۸۰ اصلی قطعه ۱ واقع در بخش ۱۲ فارس داراب خریداری از مالک رسمی با واسطه از احمدغلام محرز گردید حقوق ارتقایی ندارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۳/۶/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۳/۷/۹</p>	
۵۶۱/ م الف	رئیس اداره ثبت اسناد و املاک داراب حمید کشاورز

<p><b>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی</b> برابر رای شماره ۹۳۰۰۰۰۴۷۷۰۰۰۰۳۱۱۰۰۰۰۱۳۹۳۶-مورخ ۹۳/۶/۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقرف در واحد ثبتی داراب تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی فاضل فرزند صفوی فرزند عباس به شماره شناسنامه ۲ صادره از داراب به شماره ملی ۲۴۹۱۲۷۴۹۴۹۴ نسبت به ششدانگ یکباب کاراژ به مساحت ۳۶۷/۳۰ مترمربع پلاک ۱۹۲ فرعی از ۲۱۴۵ اصلی مفروز و مجزا شده از پلاک ۲۱۴۵ اصلی قطعه ۱ واقع در بخش ۱۲ فارس داراب خریداری از مالکین رسمی با واسطه محمدلی بحرانی محرز گردید حقوق ارتقایی ندارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۳/۶/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۳/۷/۹</p>	
۵۷۷/ م الف	رئیس اداره ثبت اسناد و املاک داراب حمید کشاورز

<p><b>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی</b> برابر رای شماره ۹۳۰۰۰۰۵۷۰۰۰۰۳۱۱۰۰۰۰۱۳۹۳۶-مورخ ۹۳/۵/۱۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقرف در واحد ثبتی داراب تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی نواز عدلی فرزند حبیب به شماره شناسنامه ۱۳ صادره از داراب به شماره ملی ۲۴۹۱۵۶۷۱۱۱۱ در ششدانگ یکباب مغازه به مساحت ۱۵/۳۰ مترمربع پلاک ۶۲ فرعی از ۱۵۸۰ اصلی مفروز و مجزا شده از پلاک ۱۸ فرعی از ۱۵۸۰ اصلی قطعه ۱ واقع در بخش ۱۲ فارس داراب خریداری از مالک رسمی باواسطه از احمدغلام محرز گردید حقوق ارتقایی ندارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۳/۶/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۳/۷/۹</p>	
۵۶۲/ م الف	رئیس اداره ثبت اسناد و املاک داراب حمید کشاورز

<p><b>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی</b> برابر رای شماره ۹۳۰۰۰۰۵۸۰۰۰۰۳۱۱۰۰۰۰۱۳۹۳۶-مورخ ۹۳/۶/۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقرف در واحد ثبتی داراب تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی محمود صفوی فرزند عباس به شماره شناسنامه ۲ صادره از داراب به شماره ملی ۲۴۹۱۲۷۴۹۴۹۴ نسبت به ششدانگ یکباب کاراژ به مساحت ۳۶۷/۳۰ مترمربع پلاک ۱۹۲ فرعی از ۲۱۴۵ اصلی مفروز و مجزا شده از پلاک ۲۱۴۵ اصلی قطعه ۱ واقع در بخش ۱۲ فارس داراب خریداری از مالکین رسمی با واسطه محمدلی بحرانی محرز گردید حقوق ارتقایی ندارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۳/۶/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۳/۷/۹</p>	
۵۸۷/ م الف	رئیس اداره ثبت اسناد و املاک داراب حمید کشاورز

<p><b>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی</b> برابر رای شماره ۹۳۰۰۰۰۵۳۴۰۰۰۰۳۱۱۰۰۰۰۱۳۹۳۶-مورخ ۹۳/۵/۲۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقرف در واحد ثبتی داراب تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی الماس فولادفر فرزند محمدعلی به شماره شناسنامه ۱۳ صادره از داراب به شماره ملی ۲۴۹۱۱۶۱۲۴۳ در ششدانگ یکباب مغازه به مساحت ۱۳/۸ مترمربع پلاک ۳۹ فرعی از ۶۹۶ اصلی مفروز و مجزا شده از پلاک ۴ فرعی از ۶۹۶ اصلی قطعه ۱ واقع در بخش ۱۲ فارس داراب خریداری از مالک رسمی باواسطه از يحيی خواجوی محرز گردید حقوق ارتقایی ندارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۳/۶/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۳/۷/۹</p>	
۵۷۲/ م الف	رئیس اداره ثبت اسناد و املاک داراب حمید کشاورز

<p><b>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی</b> برابر رای شماره ۹۳۰۰۰۰۵۳۴۰۰۰۰۳۱۱۰۰۰۰۱۳۹۳۶-مورخ ۹۳/۵/۲۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقرف در واحد ثبتی داراب تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی الماس فولادفر فرزند محمدعلی به شماره شناسنامه ۱۳ صادره از داراب به شماره ملی ۲۴۹۱۱۶۱۲۴۳ در ششدانگ یکباب مغازه به مساحت ۱۳/۸ مترمربع پلاک ۴۰ فرعی از ۶۹۶ اصلی مفروز و مجزا شده از پلاک ۴ فرعی از ۶۹۶ اصلی قطعه ۱ واقع در بخش ۱۲ فارس داراب خریداری از مالک رسمی باواسطه از يحيی خواجوی محرز گردید حقوق ارتقایی ندارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۳/۶/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۳/۷/۹</p>	
۵۷۲/ م الف	رئیس اداره ثبت اسناد و املاک داراب حمید کشاورز